

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
پیاده‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مأخذ	ویرایش دوم	تکمیل مأخذ و ویرایش نهایی

### خسارات گناه

گناه خسارت‌های عجیبی در باطن و دل انسان می‌گذارد. اولین خسارت از بین بردن آن حالت حساس بودن و هوشیاری و بیداری دل است. امام باقر علیه السلام فرمودند: **مَا مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةٌ بَيْضَاءُ**: هیچ عبدی نیست مگر اینکه در قلب او یک لکه‌ی سفید بزرگ است؛ یعنی روح و دلش، یک لوح سفید بزرگ است. **فَإِذَا أَذْنَبَ ذَنْبًا خَرَجَ فِي النُّكْتَةِ نُكْتَةٌ سَوْدَاءُ**: هنگامی که مرتکب گناه می‌شود یک لکه‌ی سیاه روی آن لوح سفید می‌افتد. **فَإِنْ تَابَ ذَهَبَ ذَلِكَ السَّوَادُ**: اگر بلافاصله توبه کند، آن لکه‌ی سیاه دوباره پاک می‌شود و لوح دلش سفید می‌شود. **وَ إِنْ تَمَادَى ۙ فِي الذُّنُوبِ زَادَ ذَلِكَ السَّوَادُ حَتَّى يُغَطِّيَ الْبَيَاضَ**: اما اگر در گناه مداومت کند، این لکه‌ی سیاه، دائم بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود تا کل آن لوح سفید را زیر خود می‌گیرد. **فَإِذَا غَطَّى الْبَيَاضَ لَمْ يَرْجِعْ صَاحِبُهُ إِلَى خَيْرٍ أَبَدًا**<sup>۱</sup>: هنگامی که سیاهی، کل این سفیدی را زیر پوشش خودش گرفت، صاحب چنین دلی دیگر ابداً بازگشتی به سمت خوبی و خیر نخواهد داشت؛ یعنی کارش تمام است. در حدیثی دیگر حضرت باقر علیه السلام فرمودند: **مَا مِنْ شَيْءٍ أَفْسَدَ لِلْقَلْبِ مِنْ خَطِيئَةٍ إِنْ الْقَلْبَ لِيُوقِعَ الْخَطِيئَةَ فَمَا تَزَالُ بِهِ حَتَّى تَغْلِبَ عَلَيْهِ فَيُصَيِّرُ أَعْلَاهُ أَسْفَلَهُ**<sup>۲</sup>: برای قلب، دل و روح انسان، هیچ چیزی تباہ‌کننده‌تر از خطیئات و معصیت‌ها نیست. انسان پیوسته گناه می‌کند تا معصیت بر قلب او غلبه می‌کند و کل قلب را زیر پوشش خودش می‌گیرد و انسان را خفه می‌کند. چنین فردی چه می‌-

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۷۳؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۳۲ و حرّعاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۰۳.

۲. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۶۸؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۲ و حرّعاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۰۱.

شود؟ **فَيْصِرَ أَعْلَاهُ أَسْفَلَهُ**: این انسان واژگون می‌شود، زیر و رو می‌شود. فردی که در حال سلامت از محبت خوشش می‌آید و از کینه‌توزی و عداوت بدش می‌آید، صدوهشتاد درجه فرق می‌کند، عکس می‌شود! حالا از عداوت و کینه‌توزی خوشش می‌آید و از محبت بدش می‌آید. از دروغ خوشش می‌آید، از راستی بدش می‌آید. از گذشت بدش می‌آید، از حقد و کینه و ... خوشش می‌آید. شخصیتش واژگونه می‌شود. ولی دل انسانی که بیدار است، حساس است، علامتش این است که وقتی کار بدی می‌کند، بلافاصله می‌گوید: آخ! این چه کاری بود من کردم؟! ای کاش توانسته بودم جلوی خودم را بگیرم. این حالت مذمت درونی، تنبّه و ندامت باطنی از علائم زنده بودن و بیدار بودن دل است. اما وقتی او در گناه مداومت کرد، این حالت از بین خواهد رفت. گناه انجام می‌دهد و هیچ حالت ندامت باطنی هم ندارد! کسی که روح و دلش بیدار است، باطنش حساس است، باطن او ادراک دارد؛ یعنی دریافت‌های باطنی دارد. اما وقتی بیش از حد به معصیت‌ها آلوده شد، این حالت ادراکات معنوی از بین می‌رود و دیگر آن حقایق باطنی را نمی‌بیند. دیگر هیچ حسّی هم از آن حقایق معنوی ندارد.

دومین چیزی که با افراط در معاصی ایجاد می‌شود، قساوت قلب است. لطافت‌های روحی انسان، در اثر معاصی از بین می‌رود. انسانی که سالم است روحش از محرک‌های معنوی تأثیر می‌پذیرد؛ ولی وقتی در اثر گناه به قساوت قلب مبتلا شد، دیگر محرک‌های معنوی نمی‌تواند روی روح او تأثیر بگذارد. مثال بزنم تا برایتان ملموس‌تر شود؛ دیده‌اید بعضی وقت‌ها فلانی به یک مجلس روضه یا دعا و نیایش یا یک مجلس عرفانی می‌رود، همه چنان در فضای آن مجلس به هیجان معنوی آمده‌اند، اشک‌ها از چشم‌ها جاری است، و همه‌ی اهل این جلسه حال منقلبی دارند، اما این بنده‌ی خدا اصلاً ککش هم نمی‌گزد! همین‌طور می‌نشیند و زل زل نگاه می‌کند! یعنی روح، آن حالت تأثیرپذیری از محرک‌های معنوی را از دست داده است؛ لطافتش را از دست داده است. اگر این قساوت قلب در اثر گناه زیاد شود، کم‌کم بیرون می‌زند و روی ظاهر شخص هم مشهود می‌شود. اولین جا در ظاهر انسان که آثار گناه در آن مشهود می‌شود، کجاست؟ اولین جا چشم است. چون چشم خیلی مخبر صادقی است و

خیلی صاف از باطن انسان حرف می‌زند. برخلاف زبان که دروغ می‌گوید، چشم‌ها راستِ راست می‌گویند. همین‌الآن من به چشم‌های شما نگاه می‌کنم، صافِ صاف دارند با من حرف می‌زنند. چشم‌ها راست می‌گویند و از باطن انسان‌ها خبر می‌دهند. حالت چشم کاملاً گویای حالت درونی و روحی انسان است. این اولین جاست. اول در چشم ظاهر می‌شود. دومین جایی که ظاهر می‌شود کجاست؟ رنگ لب‌ها هم از حالت درونی و باطنی افراد خبر می‌دهد. بعد هم کم‌کم اصلاً کلّ چهره تأثیر می‌پذیرد. یعنی انسانی که در گناه افراط می‌کند، کم‌کم کلّ چهره‌اش اصلاً تیره می‌شود. چهره سیاه می‌شود! چهره را که نگاه می‌کنی، سیاه سیاه است! نه اینکه پوستش سیاه است، خیر! پوستش هم ممکن است خیلی سفید باشد، با کرم‌پودر و ... سفیدتر هم بکند، اما اینها اثر ندارد و آن سیاهی سر جایش است. آن سیاهی معنوی با این چیزها قابل مخفی کردن نیست. آن سیاهی وجود دارد. آن نور از بین می‌رود. من فکر می‌کنم خود شما تا حدودی این احساس را دارید؛ بعضی از افراد را که می‌بینید قیافه‌شان نورانی است؛ بعضی هم چهره‌شان کدر و گرفته است؛ ولو خیلی هم خوشگل و ظاهر جسمانی‌شان آرایش کرده است، اما قیافه را که نگاه می‌کنی تیره و گرفته است. بعضی‌ها را که نگاه می‌کنی، نور دارند. من سر کلاس‌ها که نگاه می‌کنم، بعضی از بچه‌های خیلی نورانی را می‌بینم. کم‌کم شدید می‌شود به گونه‌ای که افراد معمولی هم می‌فهمند. دیدید بعضی از افرادی که خیلی اهل پلیدی و گناه هستند، اصلاً حالت چهره‌شان برمی‌گردد و چشم‌ها یک حال بدی دارند. اینها دیگر خیلی گناهانشان شدید شده و به ظاهرشان آمده است. این قساوت دل، عواطف را سرکوب و نابود می‌کند و فرد را تبدیل به یک آدم پرخاشگرِ خشن و قسّ القلبي می‌کند؛ دیگر لذت عبادت و نیایش را نمی‌تواند بچشد. می‌گوید این کارها چیست که شما می‌کنید؟! اگر بگویی رفتم دعا خواندم کیف کردم، می‌گوید این شرّ و ورها چیست! نماز خواندم کیف کردم! اصلاً نمی‌تواند این را بفهمد. حلاوت

نیایش و عبادت را دیگر احساس نمی‌کند. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: **مَا جَفَّتِ الدُّمُوعُ إِلَّا لِقَسْوَةِ الْقَلْبِ وَ مَا قَسَتِ الْقُلُوبُ إِلَّا لِكثْرَةِ الذُّنُوبِ**<sup>۳</sup> یکی از علائم قساوت قلب این است که اشک به چشم انسان می‌خشکد. دیگر چشم او به نم اشک معنوی، تر نمی‌شود. فرمودند: اشک‌ها نمی‌خشکند مگر در اثر قساوت قلب و دل‌ها قسی نمی‌شوند، مگر در اثر فراوانی گناه و معصیت. در یک حدیث قدسی است که خدای متعال فرمود: آسان‌ترین و کمترین کاری که با بنده‌ی شهوتران خودم می‌کنم، این است که حلاوت نیایش، عبادت و ذکر خودم را از او سلب می‌کنم. دیگر نمی‌تواند شیرینی‌های معنوی را بچشد.<sup>۴</sup>

دو نوع گناه داریم؛ یک دسته گناهان قلبی است و یک دسته گناهان قالبی. گناهان قالبی گناهانی است که با اعضاء ظاهری پیکرمان انجام می‌دهیم. لقمه‌ی حرامی می‌خورد، سخن دروغی می‌گوید، نگاه آلوده‌ای می‌کند، دلی را می‌شکند؛ یعنی کاری ظاهری که با پیکر ظاهری انجام می‌شود. گناهان قلبی، همان گناهان باطنی انسان است؛ مثل سوءظن به یک برادر یا خواهر مؤمن. فرمود: **إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ**<sup>۵</sup> این گناه، گناه قلبی و باطنی است. یک‌سری گناه قلبی داریم و یک‌سری گناه قالبی. قرآن هم اشاره کرد: **وَ لَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ**<sup>۶</sup> شما را در برابر آن چیزهایی که قلب‌های شما کسب می‌کند، مواخذه خواهیم کرد؛ که همان گناهان قلبی است.

۳. صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۸۱؛ فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۲، ص ۴۲۰ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۵۵.

۴. ... أَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوُدَ عليه السلام لَا تَجْعَلْ بَيْتِي وَ بَيْتَكَ عَالِمًا مَقْتُونًا بِالْدُّنْيَا فَيَصُدَّكَ عَنْ طَرِيقِ مَحَبَّتِي فَإِنَّ أَوْلَيْكَ قُطَاعَ طَرِيقِ عِبَادِي الْمُرِيدِينَ إِنَّ

أَذْنِي مَا أَنَا صَانِعٌ بِهِمْ أَنْ أَنْزِعَ حَلَاوَةَ مُنَاجَاتِي عَنْ قُلُوبِهِمْ: کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۶؛ صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۹۴ و حرّاملی،

فصول المهمّة، ج ۱، ص ۶۰۶.

۵. سوره‌ی حجرات، آیه‌ی ۱۲.

۶. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۲۵.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

اهل ولائكم  
www.ahlevela.com

اهل ولائكم

www.ahlevela.com

اهل ولائكم